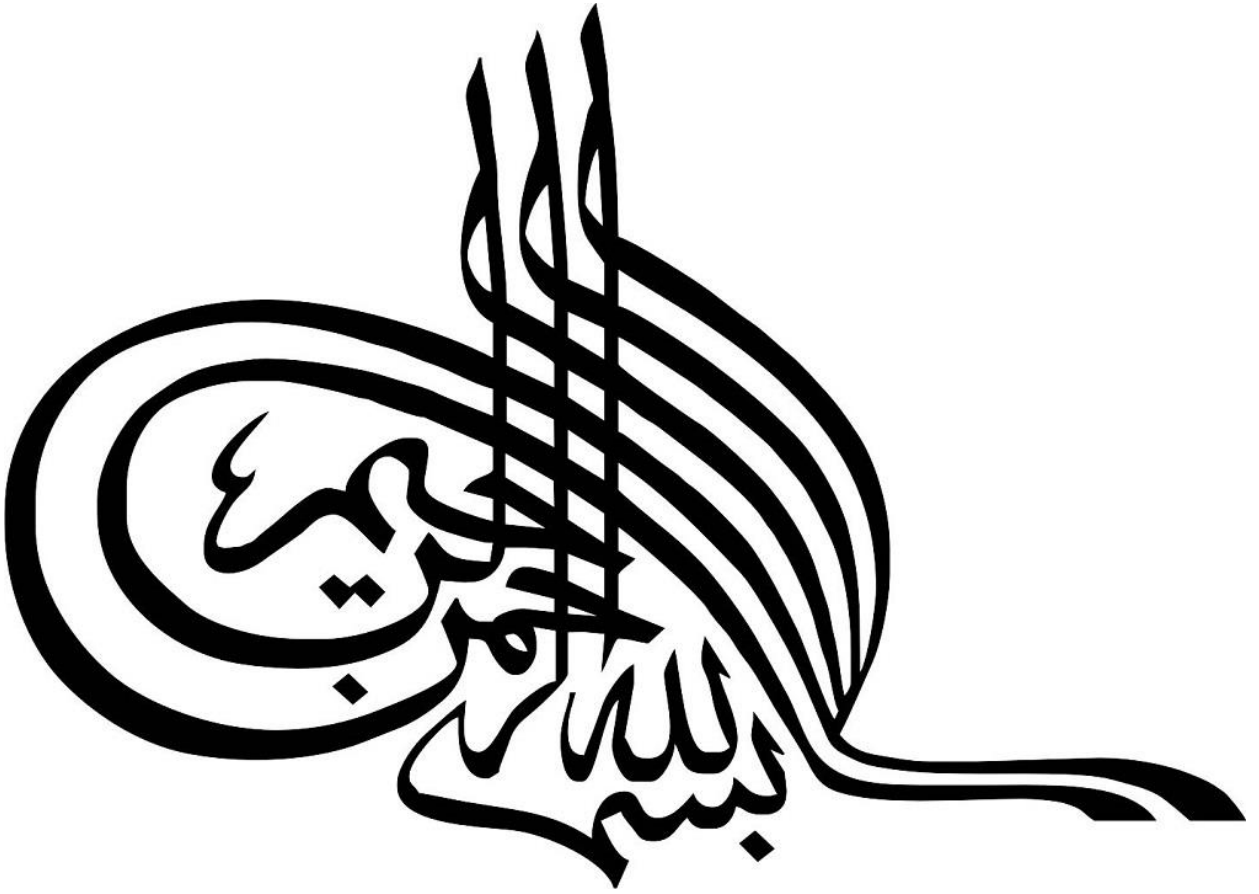


یکسی بورد
یکسی نبرد

محمد دانشی



یکی بود ، یکی نبود

موسسه فرهنگی و هنری
دفتر انتشارات و نشر
پتو پخش کتاب
۹۸ راننده - راه امام خمینی
تهران - خیابان ولیعصر
تلفن: ۰۰۰۰۰۰۰۰
تهران ۰۵۱ - ۰۵۱
۹۳۴-۸۶۵۸-۹۳۴

از: محمد دانشی

یکی بود یکی نبود: محمد دانشی

ناشر: انتشارات عقیق عشق

چاپ: چاپخانه سپهر

نوبت چاپ: اول - زمستان ۸۴

طراحی جلد: آفتاب آبی

تیراژ: ۲۰۰۰

قیمت: ۲۵۰ تومان

شابک: ۹-۲۶-۸۵۴۸-۹۶۴

بیتابک

«فهرست مطالب»

۶	پیشگفتار
۷	فرمایش رسول اکرم (ص)
۸	یکی بود ، یکی نبود
۲۸	اهمیت نماز
۲۹	دعا
۳۱	اهمیت مسجد

پیشگفتار

با شنیدن سخنان دلسوزانه بعضی مسئولین ستاد اقامه نماز در همایش ائمه جماعت مدارس استان کرمان (آذرماه سال ۱۳۸۲) و نیز تذکرات دردمندانه حاج آقا قرائتی در مورد جوانان ، تحت تأثیر قرار گرفتم و با خود گفتم ، نوشتن بهتر است از دست روی دست گذاشتن (ولو اینکه نوشته هایم کمتر بدرد بخورد) بدین جهت دست به قلم بردم و در حد بضاعت مطالبی را به نگارش درآوردم.

در آمارهایی که از بعضی جوانان و نوجوانان گرفته شده ، در پاسخ این سؤال که چرا نسبت به اعمال عبادی رغبت نشان نمی دهند ، عمده ترین جوابها این دو جواب بوده ، یکی اینکه «نمی دانیم چرا باید نماز بخوانیم و روزه بگیریم و سایر عبادتها را انجام دهیم» جواب دیگر اینکه «بعضی از آنها که به ما امر می کنند ، خود عامل نیستند» مخصوصاً پدران و مادران ، لذا این کتاب را تحت عنوان «یکی بود ، یکی نبود» منحصرآ برای دوره دبیرستان در نظر گرفتم و قصه خلقت را از اول با شواهد شعری و آیات قرآن و سخنان حضرت رسول (ص) و مولا علی (ع) بیان کردم تا شاید بتواند جوابی برای «نمی دانیم چرا عبادت کنیم» باشد.

اشعاری مربوط به نماز و دعا و مسجد نیز سروده و به آن اضافه نمودم.

لازم بذکر است کلیه اشعار این کتاب که گوینده آنها ذکر نشده متعلق به خود اینجانب می باشد که برای جاذبه بیشتر بصورت محاوره ای انشاء شده است.

و من ... التوفیق
محمد دانشی

قال رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم:

طُوبَى لِمَنْ عَلِمَ مِنْ آئِنٍ وَفِي آئِنٍ وَ
إِلَى آئِنٍ

خوشا بحال آن کسیکه بداند ، از کجا آمده است و در کجا
هست و به کجا باید برود.

یکی بود یکی نبود

غیر از خدا هیچکس نبود^۱

نمودها^۲ ، نهان بود

نزد خدا ، پنهان بود

جامی

ای خوشا روزیکه پیش از روز و شب

فارغ از اندوه و آزاد از کرب^۳

متحد بودیم با شاه وجود^۴

حکم غیریت^۵ بکلی محو بود

نظامی

اول کاین عشق پرستی نبود

در عدم آوازه هستی نبود

۱- کان ... و لَمْ یَكُنْ مَعَهُ أَحَدًا ، خداوند بود و هیچکس دیگر نبود.

۲- نمودها ، یعنی موجودات (درخت ، انسانها ، کوهها ، حیوانات)

۳- رنج و اندوه

۴- شاه وجود ، یعنی خداوند

۵- غیریت ، جدا شدن از خدا

حدیث قدسی:

كُنْتُ كَنْزًا مَخْفِيًا فَاحْبَبْتُ أَنْ أُعْرَفَ فَخَلَقْتُ الْخَلْقَ لِكَيْ أُعْرَفَ
خداوند می فرماید: من گنج پنهانی بودم ، دوست داشتم شناخته شوم
پس خلقی را خلق کردم تا شناخته شوم.

خدا بی حد زیبا بود

حیف بود که در خفا بود

عشق را بهانه بنمود

«کن» به جهان بفرمود^۱

لا ادری

آمد لب بوم قالیچه تکون داد

قالی گرد نداشت خودشو نشون داد^۲

۱- کن ، باش ، انما امره اذا ارادا شيئا ان يقول له كن فيكون: هر گاه خداوند اراده کند

به ایجاد چیزی ، کافی است که بگوید ، باش ، پس می شود. آیه ۸۲ سوره يس

۲- آقای قمشه ای از تلویزیون این شعر را خواندند و گفتند ، هر شعری که

می خواندیم ، مرحوم ابوی می فرمودند ، عرفانی است ، روزی این بیت را نزد ایشان

بردیم و گفتیم ، این را دیگر نمی توانید بگویید عرفانی است ، اما ایشان فرمودند: این

شعر عین عرفان است و میتواند ترجمه حدیث قدسی کنت کنزا مخفيا باشد. (چون

خداوند عاشق بندگانش بود لذا به همین بهانه آنها را خلق کرد.)

مولوی

گنج مخفی بُد ز پُری چاک کرد
 خاک را تابان تر از افلاک کرد
 گنج مخفی بُد ز پُری جوش کرد
 خاک را سلطانِ اطلس پوش کرد

مافا

اینهمه عکس می و نقشِ نگارین که نمود
 یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد

جامی

ناگهان در جنبش آمد بحرِ جود
 جمله را از خود ز خود بیخود نمود
 واجب^۱ و ممکن زهم ممتاز شد
 رسم و آئین دویی آغاز شد

لا ادری

ما از آن بالای بالا آمدیم
 ما از آن صندوق اعلا آمدیم

۱- واجب: خداوند و ممکن: آنچه غیر از خداست

هاتف اصفهانی

یار بی پرده از در و دیوار

در تجلیست یا اُولی الأبصار^۱

فَأَيْنَمَا تُوَلُّوْا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ

آیه ۱۱۵ سوره بقره به هر طرف که رو کنی ، آنجا روی به خداست^۲
عرفا می گویند ، فاحبیت آن اعرف (دوست داشتیم شناخته شوم)
گویای این حقیقت است که اساس خلقت بر عشق بنا شده^۳؛

۱- صاحبان بصیرت و دانایی

۲- امیرالمومنین در خطبه شماره ۱- نهج البلاغه می فرمایند: كَائِنَ لَا عَنَ حَدَثٍ ،
مَوْجُودٌ لَا عَنَ عَدَمٍ ، مَعَ كُلِّ شَيْءٍ لَا بِمُزَايَلَةٍ. خداوند موجودی است که آغازی ندارد
و با نیستی سازگار نیست ، در عین اینکه با تمام موجودات همراه است ، از آنان
جداست.

۳- امام صادق علیه السلام فرمودند ، هَلِ الدِّينُ إِلَّا الْحُبُّ. مگر دین می تواند غیر از
دوست داشتن چیز دیگری باشد.

۴- امام خمینی (ره) می فرمایند: بِالْعِشْقِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُ ، بنای آسمان و
زمین بر عشق بوده است.

رسم دویی ساز شد

عاشقی آغاز شد

حافظ:

سلطان ازل گنج غم عشق به ما داد

تا روی بدین منزل ویرانه نهادیم^۱

حافظ:

فاش می گویم و از گفته خود دلشادم

بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

آن خدای مهربان

عزیزترین جهان

گفتا پس از یک سفر

دیدار شود میسر

قرآن مجید آیه ۲۱ سوره فصلت:

أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

ما از خدائیم و بسوی او بر می گردیم^۲

۱- خداوند بازای اینکه ما به دنیا روی آوردیم عشق خود را به ما ارزانی داشت.

۲- وَ هُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ: آیه ۲۱ سوره فصلت ، و او نخستین بار شما را آفرید و بسوی او برگردانده می شوید.

مولوی:

ما زبالاییم و بالا می رویم
 ما زدریائیم و دریا می رویم
 خوانده ایم انا الیه راجعون
 تا بدانی که کجاها می رویم^۱

۱- مرحوم شهید مطهری در کتاب «کلام - عرفان» قریب به این مضامین درباره بازگشت به سوی خدا می فرماید:

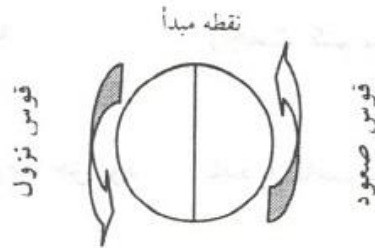
«و می شود فرض را بر این نهاد که حرکت اشیاء بر روی قوس دایره باشد، یعنی اول از نقطه مبدا (از نزد خدا) دور می شوند.

و به نقطه ای می رسند که دورترین نقطه از نقطه مبدا است (جهان خلقت)، که اگر قطری در دایره فرض شود به همان نقطه

خواهد رسید و این قوس از دایره را قوس نزول می نامند، که همه موجودات از مبدا در قوس نزول به دورترین

نقطه رانده شدند و باید از این دورترین نقطه یعنی پایان قوس نزول (جهان خلقت) در قوس دیگر دایره

(قوس صعود) بسوی مبدا (برگشت بسوی خدا) حرکت نمایند.»



دورترین نقطه (دنیا)

مضرت امام (ه):

فرخ آن روز که از این قفس آزاد شوم

از غم دوری دلدار ، رهم ، شاد شوم

مافظا:

چنین قفس ، نه سزای چو من خوش الحانی است

روم به گلشن رضوان که مرغ آن چمنم

مولوی:

هر کسی کو دور ماند از اصل خویش

باز جوید روزگار وصل خویش

سئوال

ای عزیز لا مکان

ای خدای مهربان

مهجورم از درگهت

جدا شدم از برت

آیم بسوی خونه

اکنون بگو چگونه

رجعت کنم به لونه

با چه وسیله باید

جواب

دان عبادت راه قرب حق بود بنده با طاعت به حق ملحق شود

قرآن مجید آیه ۵۶ سوره والذاریات:

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

خلق نکردم جن و انس را مگر برای بندگی و عبادت^۱

سعدی:

جوانا ره طاعت امروز گیر

که فردا نیاید جوانی ز پیر

فراغ دلت هست و نیروی تن

چو میدان فراخ است گویی بزَن

قضا ، روزگاری زمن در ربود

که هر روزی از وی شب قدر بود

من آن روز را قدر نشناختم

بدانستم اکنون که در باختم

۱- امیرالمومنین علیه السلام در خطبه ۱۸۲ نهج البلاغه می فرماید: أَحْمَدَةُ أَلَى نَفْسِهِ

كَمَا اسْتَحْمَدُ أَلَى خَلْقِهِ ، بخاطر نزدیک شدن به او ستایش می کنم او را

همانطوریکه بخاطر نزدیک شدن به مردم

۲- قرآن مجید سوره بقره آیه ۲۱: يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ، ای مردم

عبادت و بندگی کنید پروردگارتان را که او شما را آفرید.

سعدی:

منت خدایرا عزّ و جلّ که طاعتش موجب قربت است و به شکر
 اندرش مزید نعمت است تا از یاد او غافل نشوی
 طالب قرب خدا ، باید کند بندگی
 دوری ز قرب حق است ، سرکشی و لودگی
 آزادی از دام دل ، شرطش عبادت بود
 نکردن عبادت ، عین اسارت بود
 بی شک ره تقرّب ، عبادت و بندگی است
 نتیجه اطاعت ، حرّی و آزادگی است

سؤال

عبادت خدا را به چشم و دل پذیرم
 ولی چطور چگونه ، از کیا یاد بگیرم؟

جواب

خدای دوست داشتنی ارسال انبیاء کرد
 تا راه وصل ما را بدینوسیله وا کرد

قرآن مجید سوره اعراف آیه ۳۵،

يَا بَنِي آدَمِ إِنَّمَا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي فَمَنِ اتَّقَى
وَاصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

ای فرزندان آدم ، چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات
مرا بر شما بخوانند ، پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید ، نه
بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می شوند^۱

«پیامبران الهی طیبیان روح اند و علاج کننده دردهای معنوی و
هدایتگر انسانها به سوی خدا»

مولوی:

ما طیبیانیم شاگردان حق
بحر قلزم دین ما را فانفلق^۳

۱- نهج البلاغه خطبه اول بند ۸ واصطفی سُبْحَانَهُ مِنْ وَلدِهِ أَنْبِيَاءُ أَخَذَ عَلَيَّ الْوَحْيِ
مِيثَاقَهُمْ ، وَ عَلَيَّ تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ أَنَاتَهُمْ ، خدای عزیز از فرزندان آدم انبیاء را برگزید و
پیمان و تعهد آنان را از طریق وحی تثبیت کرد و تبلیغ مسئولیت را امانتی بر دوش
آنان گذاشت.

۲- سوره حدید آیه ۲۵ به راستی ما پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با
آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند.

۳- فانفلق: شکافته شد ، اشاره به داستان حضرت موسی و گذشتن از نیل

آن طبیبان طبیعت دیگرند
 که بدل از راه نبضی^۱ بنگرند
 ما بدل بی واسطه خوش بنگریم
 کز فراست ما به عالی منظریم
 آن طبیبان غذا اند و ثمار^۲
 جان حیوانی بدیشان استوار
 ما طبیبان فعالیم و مقال^۳
 مُلهم ما پرتو نور جلال^۴
 کین چنین فعلی تو را مانع بود
 و آن چنان فعلی زره قاطع بود
 این چنین قولی تو را پیش آورد
 و آن چنان قولی تو را نیش آورد

۱- از راه گرفتن نبض مرض را می شناسند.

۲- ثمار ، میوه

۳- ما پزشک افعال و گفتار هستیم.

۴- ما از خدا نور و الهام می گیریم.

دستمزدی ما نخواهیم از کسی
 دستمزد ما رسد از حق بسی^۱
 خداوند عاشق ترین و عاقل ترین افراد را که از علم و آگاهی نیز بهره
 داشتند برای رسالت برگزید هنگامیکه خداوند راهی را بوسیله پیامبران
 بسوی خود نشان داد ، دشمنان و مستکبرین و شیاطین جن و انس
 شروع به سنگ اندازی در این راه نموده و در کنار آن کوره راههایی
 بسوی خود برای مردم درست کردند.

هاتف اصفهانی:

راه وصل تو راه پر آشوب
 درد عشق تو درد بی درمان

مافا:

فراز و شیب بیابان عشق پر زبلاست
 کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد

مافا:

در ره منزل لیلی که خطر هاست در آن
 شرط اول قدم آن است که مجنون باشی

۱- سوره هود آیه ۲۹ ، وَ يَا قَوْمِ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ ، اِي قَوْمِ مَنْ
 بر این رسالت مالی از شما درخواست نمی کنم ، مزد من جز بر عهده خدا نیست.

پیامبران ، این واصلان به حق ، توانستند در طی قرون و اعصار از این راه نگهبانی نموده و آن را در طول تاریخ خلقت ، برای بشریت در هر دوران ، صاف و شفاف نگهدارند و در تکمیل آن بکوشند^۱ هر کدام از پیامبران برای اثبات ادعای پیامبری خود معجزه یا معجزاتی داشتند و معجزه بزرگ پیامبر اسلام (ص) قرآن بود.

قرآن کتاب خداست ، کاتالوگ انسانهاست

تا کاتالوگ نخوانی راه را چطور بدانی

قرآن را بیشتر بخوان ، به معنی هاش نگاه کن

راه راست خدا را ، از راه کج سوا کن

قرآن کلام خداست ، کلام حق رهنماست

چه خوش سعادت آنکس ، به قول حق آشناست

ریشه هر نکبتی ، دوری ز قرآن بود

قرآن به صحنه آمد ، زندگی شادان بود

۱- وَ اِنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكُمْ وَصَّيْكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ، آیه ۱۵۳ سوره انعام و بدانید ، اینست راه راست من ، پس از آن پیروی کنید و از راههای دیگر که شما را از این راه پراکنده می سازد پیروی نکنید.

زندگی بی قرآن ، شادیهاشم غم بود
 زندگی با قرآن ، غمها چو مرهم بود
 ذات اقدس الهی برای هدایت انسانها علاوه بر پیامبران و کتابهای
 آسمانی عقل را هم به انسانها هدیه کرد.^۱

مولوی:

ای برادر تو همه اندیشه ای
 ما بقی تو استخوان و ریشه ای
 ای برادر عقل یک دم با خود آر
 طبع تو هر دم خزان آرد بیار
 منابع اسلامی در تعریف عقل می گویند ، «الْعَقْلُ مَا عُبِدَ بِهِ الرَّحْمَنُ وَ
 اِكْتَسَبَ بِهِ الْجَنَانُ» عقل آن چیزی است که بوسیله آن خداوند عبادت
 می شود و بهشت بدست می آید.^۲
 با توجه به اینکه پیامبر اسلام (ص) آخرین پیامبر است ، به همین
 جهت دین اسلام کاملترین دین الهی محسوب می شود ، لذا خداوند

۱- امیرالمومنین در نهج البلاغه در سخن ۵۱ می فرمایند: لَا غِنَى كَالْعَقْلِ ، هیچ ثروتی
 هم ردیف عقل نیست.

۲- امام رضا علیه السلام می فرمایند: صَدِيقُ كُلِّ امْرِءٍ عَقْلُهُ وَ عَدُوُّهُ جَهْلُهُ ، دوست هر
 فردی عقل اوست و دشمن او جهل و نادانی او

غیر از پیامبر و عقل و کتاب، هادیان دیگری هم به عنوان جانشینان پیامبر (ص) که در حقیقت مفسرین و شکافندگان مسائل دینی (حتی مسائل دیگر) برای مردم هستند نیز اضافه فرمود.

محمد مصطفی، خاتمت الانبیاء

که نور او جلوه گر، ز اول و ابتداء

به یمن او و اهلش، اصل جهان شد پیا

این سخن خالق است، که ما خلقت السماء^۱

برای اکمال^۲ دین، به امر حق مبین

به ما سوا هدیه کرد، ائمه طاهرین^۳

۱- اشاره به یکی از جملات حدیث کساء درباره مقام ائمه

۲- اشاره به آیه ۳ سوره مانده در غدیر خم و جانشینی امیرالمومنین علی علیه السلام،
 الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتَمَّمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا، امروز
 دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به
 عنوان دین برگزیدم.

۳- درباره مقام ائمه از زبان خداوند و رسول اکرم و خود آنها سخن ها رفته است که
 در اینجا ترجمه منظوم قسمتی از زیارت جامعه کبیره نقل میشود. (زیارت جامعه کبیره
 در مورد مقامات ائمه اطهار است.)

ختم آن هم بهر اکرام شماست
 آن بود از پرتو آل عبا
 رنجهها گردد زدلهها در گریز
 حب اهل البیت بوده امر کُنْ

افتتاح عالم از فیض شماست
 دانه ای باران که ریزد از سما
 هم به یمن چارده نفس عزیز
 گفته دادار باشد این سخن

جانشینان پیامبر خاتم (ص) تکمیل دین رسول آخرین را به عهده داشتند و هم امام بعد از آن حضرت بودند و مهم اینست که تمامی آنها بغیر از امام دوازدهم در راه احیای دین اسلام به شهادت رسیدند و ارزشنامه مکتب را با خون خود مهر کردند.^۱

بویژه اینکه حرکت امام حسین علیه السلام در روز عاشورا برای نشان دادن ارزش دین اسلام بزرگترین اتمام حجت بر تمام انسانها تا پایان تاریخ بود.

حسین آن زاده زهرا ، عزیز حضرت یکتا

همان عاشق ترین عاشق ، برای داور دانا

بروز سخت عاشورا ، در آن صحرای واویلا

بزیر تیغ جاهلها ، پیامی داد بر دلها

برای حفظ آئینم ، دوام مکتب و دینم

سر و جان را فدا سازم ، که تا ماند ره الله

عزیز مصطفایم من ، عزیز کبریایم من

ولی در راه معشوقم ، رضا دارم کشند اعداء

۱- «از آنجا که نباید زمین از حجت خدا خالی باشد به امر خداوند امسام زمان علیه

السلام در پس پرده غیبت اند و روزی ظهور خواهند کرد»

که این مکتب و این قرآن ، بماند تا ابد زنده
 ره سرخ شهادت را ، بفهمانم به مردمها
 کند گر گم کسی این ره ، رود بر راه شیطانها
 در این دنیا و آن دنیا ، بگردد آبکم و اعمی^۱
 خوشا بر حال شاهدها ، خوشا آنانکه در راهند
 بدا بر حال آن قومی ، که نشناسند قدر ما^۲
 پس امامان والیان امر خدایند و هر مسلمان شیعه باید به ولایت اهل
 بیت عارف باشد.

راه جنت راه و رسم اولیاست
 بی ولایت هر رهی راه خطاست
 لطف رحمان از ولایت حاصل است
 خشم رحمان ضد آن را شامل است

۱- لال و کور

۲- فرمایش امام رضا علیه السلام در حدیث سَلْسَلَةُ الذَّهَبِ: كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي
 فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي آمِنَ مِنْ عَذَابِي: و بعد می فرماید بَشْرُطُهَا وَ شُرُوطُهَا وَ أَنَا مِنْ
 شُرُوطِهَا: یعنی کلمه لا اله الا... بدون ولایت و عارف شدن بحق ما اهل بیت
 خاصیت ندارد.

از ولایت شد عبادتها قبول
 بی ولایت هر دعا باشد نکول
 رستگاران از ولایت فائزند
 زان سبب مر قرب حق را حائزند

علمای دین بعد از ائمه اطهار صلوات الله علیهم از بالاترین منزلت برخوردارند و خود ائمه علما را حافظان مکتب اسلام معرفی کرده اند ، و الحق علمای اسلام بویژه علمای تشیع این بار مسئولیت را به نحو شایسته انجام داده و توانستند پس از گذشت هزار و چهارصد و اندی سال ، نگذارند دشمنان اسلام ، این شجره طیبه را مورد دستبرد قرار دهند.

البته در این راه سالوسان و ریاکاران آگاهانه یا ناآگاهانه با دشمنان هم داستان شده و در پی قلع و قمع دین برآمدند ، اما وجود علماء آنرا از این خطرات حفظ کرد. در متون اسلامی علما را ، وارثان پیامبران دانسته اند (الْعُلَمَاءُ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ) امیرالمومنین علی علیه السلام در کلام ۱۴۷ نهج البلاغه میفرماید الْعُلَمَاءُ بَأَقْوَنَ مَا بَقِيَ الدَّهْرَ ، علماء باقی و زنده اند تا روزگار باقی است.

قرآن مجید در سوره فاطر آیه ۲۸ میفرماید: «أَنْمَّا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» از بندگانی خدا تنها دانایانند که از او می ترسند.

علمای بزرگ شیعه ، از قبیل شیخ مفید ، شیخ انصاری ، علامه حلی ،
 آخوند خراسانی ، مقدس اردبیلی ، میرزای شیرازی ، سید جمال الدین
 اسدآبادی ، آیت ... شفتی ، قاضی طباطبایی ، آیت ... بروجردی ،
 حضرت امام خمینی و صدها نفر دیگر از علماء بزرگ که عمر خود را
 صرف ترویج و اعتلای دین اسلام بخصوص مذهب تشیع کردند و این
 امانت الهی را نسل اندر نسل تا به امروز بدست ما رساندند و حضرت
 امام (ره) یکی از شاخص ترین آنها بود که توانست با حرکت خود ،
 کاخهای قدرتمندان دنیا را به لرزه درآورد.

انقلاب ایران به رهبری امام (ره) ، در این دو دهه اخیر بزرگترین
 حادثه قرن محسوب گردید.

جانشینان امامان ، ولایت فقیه اند

مجتهدین در زمان ، حاکم شرع و دینند

فرمایش امام^۱ است ، مجتهدان امینند

رجوع کنید به آنها ، که راویان دینند

پس فقیهان در غیاب اولیا

والی امرند در هر اقتضا

۱- منظور امام زمان (ع) است.

این فقیهان جای قلب جامعه
می رسانند زندگی را بر همه
قلب اگر نبود در اندام شما
سایر اعضا شود بی محتوا
قلب اگر بر کار افتد بی گمان
دیگر اعضا نیز کار افتد بجان
پس فقیه با سیاست هم شجاع
عالم و عادل امین و با دهاء^۱
در زمان غیبت صاحب زمان
او ولایت دار باشد خود بدان
کن اطاعت از وی اندر هر زمان
تا نیفتی در مسیر ناکسان
او عمود خیمه دین و وطن
بی عمود ، هر خیمه ای باشد و هُن^۲

۱- دهاء: زیرکی و باهوشی

۲- و هُن: سست

اهمیت نماز

بندگان را گفت ، ربُّ بی نیاز
 یاد من کن ، یاد من کن در نماز
 این نماز از کار بد دورت کند
 هر کدورت را بَرَد ، نورت کند
 هست معراج تو ای مومن ، نماز
 رو نمازی کن ، به حق بی نیاز
 گفت پیغمبر ، رسول سرفراز
 نور چشم من بود اندر نماز
 ظهر عاشورا امام سومین
 کرد در میدان نماز آخرین
 خود بگفتا دوست دارم من نماز
 عشق من در زندگی ، راز و نیاز
 این پیام روز عاشورا بود
 خود پیامی محکم و والا بود
 گر تو در راه حسینی ، گوش دار
 رو نمازی باش و ، آن را کن شعار

بی نمازان ، نیستند اهلِ حسین
گرچه عاشورا کنند ، بس شور و شین

دعا

از سویِ حق بنده را این شد خطاب
رو دعا کن تا نمایم منِ اجاب
از من ار خواهی تو از راه صواب
رد نگردد راجع^۱ و سائل ز باب
از رگ گردن به تو نزدیکتر
پس بجو از من نه از شخص دگر
دوست دارم من دعای بنده را
بعد از آن پاسخ دهم خواهنده را
کیست غیر از حق سمیع هر دعا؟
کی اجابت می کند غیر از خدا؟
مهربانتر از خداوند کریم
می نباشد ، اوست رحمان و رحیم

۱- راجع: رجوع کننده

کاش آنانی که رو بر تافتند
 پشت بر حق ، رو به غیر انداختند
 می بدانستند ، آن ربّ رحیم
 سوی آنها چشم دارد بس عظیم
 می کشد او انتظارِ رفتگان
 تا که برگردند غفلت پیشگان
 او ز مادر مهرباتر بهر ما
 سرگران گردد چویند قهر ما
 روزهای سختی و درماندگی
 از خدا جو رفع هر واماندگی
 نیست انسان بی نیاز از هر دعا
 پس دعا می کن خدا را بی ریا
 راز دارِ رازهای او بود
 چاره سازِ دردهایت او بود
 نیمه شبها بهترین وقت دعاست
 راز دل با او بگو مشکل گشاست

یکی بود ، یکی نبود

۳۱

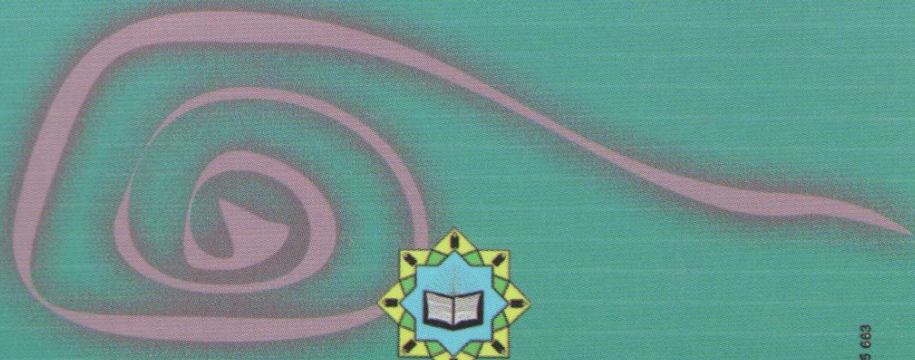
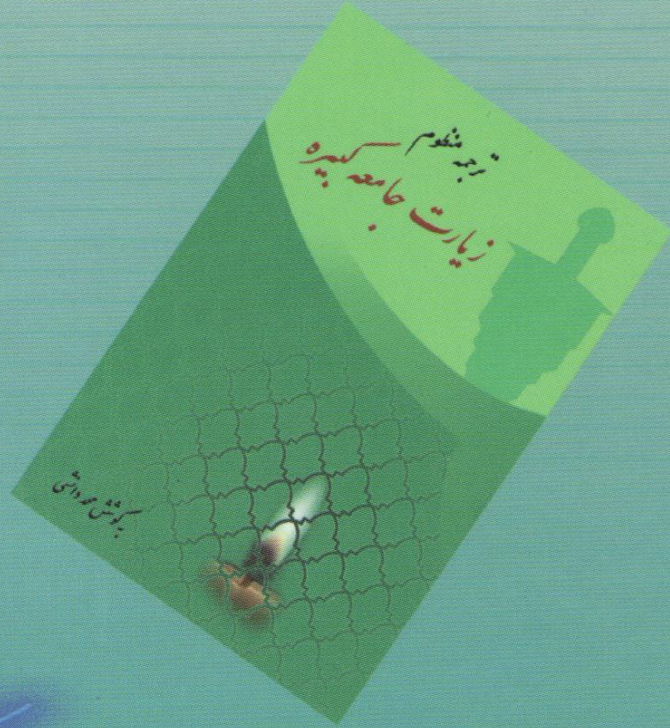
اهمیت مسجد

هست مسجد جایگاهی بس بزرگ
خانه حق و مکانی بس سترگ
مومنین همواره اهل مسجدند
بهر انجام فرائض حاضرند
مر عبادا... را خود مأمّن است
دومین خانه برای مومن است
جوشش دین از مساجد حاصل است
اهل مسجد لطف حق را شامل است
زشت باشد ، در عزا مسجد رویم
جز عزا همواره دور از مسجدیم
می کند مسجد شکایت از شما
صد گله دارد قیامت از شما
من غریب اندر میان مسلمین
یادشان نامد که هستند اهل دین
یادشان نامد که مسجد خالی است
دوری از مسجد قرین ضالی^۱ است

۱- گمراهی

پشت بر من رو به مردم ساختند
 خانه حق را غریب انداختند
 افتخار اهل ایمان مسجد است
 جایگاه لطف رحمان مسجد است
 دشمن اسلام از مسجد بری است
 او ز آبادی مسجد بس جری است
 ای جوان از مسجدی دوری مکن
 اهل مسجد باش و مهجوری مکن
 سعی کن مسجد روی وقت نماز
 کی شود مسلم ز مسجد بی نیاز؟
 هست مسجد مَلَجاً و مَعْبَد تو را
 حفظ گرداند ز راه بد تو را
 دوری از مسجد شعار دشمنان
 قُرب مسجد خار چشم رهنمان
 رفتن تو سوی مسجد ای جوان
 تیر باشد بر قلوب ناکسان

«پایان»



۲۵۰ تومان



انتشارات عقیق عشق

ISBN-۹۶۴-۸۵۴۸-۲۶-۹

Design: 77 35 663